****

[(مسألة 366): بررسی جواز وقوف در جبل الرحمة 1](#_Toc488672938)

[ادله جواز وقوف بر جبل الرحمة 2](#_Toc488672939)

[دلیل اول: موثقه سماعة 2](#_Toc488672940)

[نقد دلیل اول 2](#_Toc488672941)

[دلیل دوم: صحیحه معاویة بن عمار 2](#_Toc488672942)

[نقد دلیل دوم 3](#_Toc488672943)

[دلیل سوم: معتبره اسحاق بن عمار 3](#_Toc488672944)

[نقد دلیل سوم 3](#_Toc488672945)

[نظریه مختار 4](#_Toc488672946)

[(مسألة 367): بررسی حکم وقوف در حال نوم یا غشوه و عدم اختیار 5](#_Toc488672947)

**موضوع**: احکام وقوف /وقوف در عرفات /واجبات حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

##  (مسألة 366): بررسی جواز وقوف در جبل الرحمة

**الظاهر أن الجبل موقف‌ و لكن يكره الوقوف عليه و يستحب الوقوف في السفح من‌ ميسرة الجبل**.[[1]](#footnote-1)

وقوف در دامنه چپ جبل الرحمة قطعا جایز و بلکه مستحب است، چون موقف النبی صلی الله علیه و آله است، اما وقوف در میمنه جبل بلااختلاف جایز نیست، زیرا از حد عرفات خارج است، مشکل در وقوف فوق الجبل است، در مناسک محقق خوئی فرموده جبل موقف است و مقصودشان همان فوق الجبل است، و گرنه در مستند الناسک تصریح کرده که میمنه جبل، از حد عرفات خارج است

ولی مرحوم شیخ طوسی در نهایه فرموده نباید وقوف بر روی جبل کند، مگر در فرض اضطرار، ابن ادریس و قاضی ابن براج نیز همین مطلب را مطرح کرده اند.

### ادله جواز وقوف بر جبل الرحمة

#### دلیل اول: موثقه سماعة

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِذَا كَثُرَ النَّاسُ بِمِنًى- وَ ضَاقَتْ عَلَيْهِمْ كَيْفَ يَصْنَعُونَ- فَقَالَ يَرْتَفِعُونَ إِلَى وَادِي مُحَسِّرٍ- قُلْتُ فَإِذَا كَثُرُوا بِجَمْعٍ وَ ضَاقَتْ عَلَيْهِمْ كَيْفَ يَصْنَعُونَ- فَقَالَ يَرْتَفِعُونَ إِلَى الْمَأْزِمَيْنِ- قُلْتُ فَإِذَا كَانُوا بِالْمَوْقِفِ- وَ كَثُرُوا وَ ضَاقَ عَلَيْهِمْ كَيْفَ يَصْنَعُونَ فَقَالَ يَرْتَفِعُونَ إِلَى الْجَبَلِ- ...[[2]](#footnote-2)

##### نقد دلیل اول

مورد این روایت، فرض ازدحام است، خود محقق خوئی نیز که در این جا به این روایت بر جواز وقوف در جبل مطلقا استدلال کرده، به این موثقه در مورد بیتوته به وادی محسر در فرض ضیق در منی و وقوف به مازمین در فرض ضیق مشعر استدلال کرده است.

لذا از این روایت جواز وقوف به جبل در حال اختیار استفاده نمی شود.

#### دلیل دوم: صحیحه معاویة بن عمار

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَنْ مُحَمَّدٍ عَنِ الْفَضْلِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَدِيثٍ قَالَ: وَ حَدُّ عَرَفَةَ مِنْ بَطْنِ عُرَنَةَ وَ ثَوِيَّةَ- وَ نَمِرَةَ إِلَى ذِي الْمَجَازِ وَ خَلْفَ الْجَبَلِ مَوْقِفٌ.[[3]](#footnote-3)

##### نقد دلیل دوم

استدلال به این روایت نیز ناتمام است، محقق خوئی فرموده میمنة الجبل، خلف از طرف بیرون عرفات است که مجزی نیست، پس مقصود خلفِ از طرف میسره است، واقعا ما نمی دانیم که مقصود از خلف، فوق الجبل است، یا مقصود همان پایین کوه از طرف میسره است، لذا فی حد ذاته عبارت خلف الجمل، مجمل است.

در من لایحضره الفقیه این روایت را با تتمه ای ذکر کرده است: وَ قَالَ ع حَدُّ عَرَفَةَ مِنْ بَطْنِ عُرَنَةَ وَ ثَوِيَّةَ وَ نَمِرَة وَ‌ ذِي الْمَجَازِ وَ خَلْفَ الْجَبَلِ مَوْقِفٌ إِلَى وَرَاءِ الْجَبَلِ.[[4]](#footnote-4)

ظاهر نقل مزبور این است که همه جبل موقف است، و لکن این نقل مشکل دارد، زیرا شیخ در تهذیب و کلینی در کافی، این ذیل را نیاورده اند، اگر الی وراء الجبل جزء حدیث بود، ذکر می کردند، لذا مجلسی اول می گوید ممکن است این کلام خود شیخ صدوق باشد، خصوصا که کتاب فقیه، کتاب فتوایی است، گاهی صدوق ذیل روایتی، فتوای خود را می آورد، اما گاهی اشتباه می شود و تخیل می شود که این جزء روایت است.

#### دلیل سوم: معتبره اسحاق بن عمار

وَ عَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ ع عَنِ الْوُقُوفِ بِعَرَفَاتٍ- فَوْقَ الْجَبَلِ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَمْ عَلَى الْأَرْضِ فَقَالَ عَلَى الْأَرْضِ.[[5]](#footnote-5)

به این تقریب که افعل التفضیل نشان می دهد که هر دو محبوب است، پس وقوف بر کوه جایز است

##### نقد دلیل سوم

اما به نظر ما این استدلال نیز ناتمام است، در بسیاری از استعمالات، چنین نیست که مفضل علیه محبوب باشد، مثل لان افطر یوما، احب الی من ان یضرب عنقی، اما قطعا چنین نبوده که ضرب عنق هم محبوب باشد، یا در نهج البلاغة آمده: وَ اللَّهِ لَأَنْ أَبِيتَ عَلَى حَسَكِ السَّعْدَانِ مُسَهَّداً وَ أُجَرَّ فِي الْأَغْلَالِ مُصَفَّداً أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَلْقَى اللَّهَ وَ رَسُولَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ظَالِماً لِبَعْضِ الْعِبَادِ وَ غَاصِباً لِشَيْ‌ءٍ مِنَ الْحُطَامِ.[[6]](#footnote-6)

خصوصا که در روایت مورد بحث، حضرت افعل التفضیل بکار نبرده اند، بلکه سائل سوال کرده است.

نکته

اگر ظهور این روایات در جواز باشد، اما باز هم در موثقه سماعه جواز را مقید به فرض ازدحام کرده و ممکن است گفته شود این روایت دو روایت دیگر را نیز تقیید به فرض اضطرار می زند.

### نظریه مختار

انصاف این است که روایت خلف الجبل موقف، با تامل ظاهر است در این که مقصود از خلف، میسرة الجبل نیست، زیرا دامنه کوه از طرف سمت چپ که متصل به جبل الرحمة است، موقف النبی صلی الله علیه و آله بوده و کسی در موقف بودن آن تامل نداشته، این که بگویند خلف الجبل موقف و مقصود سفح الجبل من الیسار باشد، عرفی نیست، ظاهر عرفی خلف این است که یا مقصود بالای کوه است و یا پشت کوه از طرف دیگر.

ان قلت: پشت کوه از طرف میسره، قطعا خارج از حد عرفات است.

قلت: چنین چیزی مسلم نیست، گرچه محقق خوئی به آن قائل است، اما شاید پشت کوه داخل در حد عرفات باشد و لذا چه مراد از خلف، خلف کوه به معنای بخشی از کوه که به سمت عرفات باشد و چه مقصود، قسمتی باشد که قسمت بیرون عرفات در مقابل آن قرار می گیرد، ممکن است داخل در عرفات باشد، اما چون مجمل است، به قدر متیقن اخذ می شود که قسمت کوه از طرف عرفات است، یعنی فوق الجبل از این طرف عرفات، قطعا داخل در حد عرفات است و حمل آن بر اضطرار نیز عرفی نیست و گرنه بقول مطلق گفته نمی شد که خلف الجبل موقف، بیان حکم اضطراری بقول مطلق، عرفی نیست و لذا همین منشاء می شود که روایتی که حکم به جواز را حمل بر کراهت کنیم، مگر در فرض اضطرار.

لذا بعید نیست که با این تقریب، ما نیز با نظریه محقق خوئی موافق باشیم.

## (مسألة 367): بررسی حکم وقوف در حال نوم یا غشوه و عدم اختیار

**يعتبر في الوقوف أن يكون عن اختيار‌ فلو نام أو غشي عليه هناك في جميع الوقت لم يتحقق منه الوقوف**.[[7]](#footnote-7)

به نظر ما اشکالی ندارد که محرم قبل از اذان ظهر، نیت وقوف کند و بخوابد و بعد از غروب آفتاب بیدار شود، این وقوف از روی اختیار تحقق یافته و فرقی با نوم در طول روز در ماه رمضان ندارد که در آن جا حکم به صحت می شود.

قطعا سیره نیز نهایتا بر این بوده که موقع اذان صبح خواب بوده اند و نه این که تمام روز را خواب بوده باشند، ولی با این حال می گویند نوم در حال صوم اشکالی ندارد.

محقق خوئی گفته صوم ترک است و در ترک شرط نیست که عن اختیار باشد، بر خلاف دیگر واجبات که فعل است.

و لکن به نظر ما فرقی در این جهت وجود ندارد، اگر ادعاء ضرورت شود در حال صوم که برخی مفطرات اگر اضطرارا هم ترک شود، باز هم صوم صحیح است، این در صورت ترک اضطراری برخی تروک است، اما مهم این است که مجموع التروک اختیاری باشد، ولو بتواند یک قطره آب بیاشامد.

لذا به نظر ما هیچ فرقی بین اترک و افعل نیست و هر دو باید مستند به مکلف باشد، ولی همین که قبل از خواب نیت وقوف یا صوم کند، در صدق استناد و اختیاری بودن کافی است و عرفا می گویند وقوف به عرفات داشته است و اصلا خود محقق خوئی فرمود مقصود از وقوف، تواجد و کون در عرفات است و این شخص قطعا واقف به عرفات است، هم اختیاری است و هم با تعمد است، زیرا به عرفات آمده تا وقوف کند.

آیت الله زنجانی اخیرا فرموده اند اگر محرم ملتفت باشد و نیت وقوف کند و با التفات بخوابد، وقوف او صحیح است، اما اگر خواب بر او غلبه کند، وقوف به عرفات محسوب نمی شود.

ولی به نظر ما اگر قصد وقوف به عرفات کند، ولی بدون التفات به وقوف به خواب برود، باز هم وقوف به عرفات صدق می کند.

1. [مناسك الحج (للخوئي)، ص: 158‌](http://lib.eshia.ir/21006/1/155) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص535، أبواب استحباب الوقوف فی میسرة الجبل...، باب11، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/535/%DA%A9%D8%AB%D8%B1%D9%88%D8%A7) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص531، أبواب حدود عرفة التی یجب الوقوف بها...، باب10، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/531/%D9%86%D9%85%D8%B1%D8%A9) [↑](#footnote-ref-3)
4. [من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج2، ص464.](http://lib.eshia.ir/11021/2/464/%D8%B9%D8%B1%D9%86%D8%A9) [↑](#footnote-ref-4)
5. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص532، أبواب حدود عرفة التی یجب الوقوف...، باب10، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/532/%D8%A3%D8%AD%D8%A8) [↑](#footnote-ref-5)
6. [نهج البلاغة؛ -- ؛ 264؛ (215) و من كلام له عليه السلام ؛ ص : 264](http://lib.eshia.ir/10419/1/346/%D9%84%D8%A7%D9%86_%D8%A7%D8%A8%DB%8C%D8%AA) [↑](#footnote-ref-6)
7. [مناسك الحج (للخوئي)، ص: 158‌](http://lib.eshia.ir/21006/1/156) [↑](#footnote-ref-7)